



## An Interpretation of Quran and the Constitution: Similarities between the Interpretive Method of *Shr'a* Jurisprudence and American Law

**Dr. Reza Pour Mohammadi**

Assistant Professor, Department of Fiqh and Law, Family and Woman Research Center, Qom, Iran

**Email:** [r\\_pourmohammadi@sbu.ac.ir](mailto:r_pourmohammadi@sbu.ac.ir)

### Abstract

The present article makes a comparison between the interpretive theories in the method of Islamic *Shr'a* Jurisprudence and American Law, and explains how these two legal systems, which are entirely different and at times opposing, have adopted similar approaches in interpreting the law, as mentioned in the Quran and the Constitution. The comparison is comprised of four sections: The role of exoteric meaning in the interpretive tradition of *Imami* jurisprudence and American Law. Whether meaning is fixed or changeable. The role of purpose or objectives of Islamic laws (*maqasid al-shari'ah*). Considering the interpretive consequences by jurists and legal scholars. The main claim of the paper is that although the interpretive traditions of *Imami* jurisprudence and American law had emerged in entirely different cultural contexts, they have a fairly similar theoretical framework due to their shared focus on "customary meaning" and the antiquity of the interpreted text. It is expected that the study will create new capacities and horizons for comparative research in *usul al-fiqh*.

**Keywords:** text-oriented approach, exoteric meaning, *Akhund Khurasani*, Scalia, objective-oriented approach





HomePage: <a href="https://jfiqh.um.ac.ir/">https://jfiqh.um.ac.ir/</a>	سال ۵۷ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۴۱ - تابستان ۱۴۰۴، ص ۱۱۳ - ۸۷
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jfiqh.2024.85007.1672">https://doi.org/10.22067/jfiqh.2024.85007.1672</a>	نوع مقاله: پژوهشی

## تفسیر قرآن و قانون اساسی؛

### مشابتهای سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا

دکتر رضا پورمحمدی

استادیار گروه فقه و حقوق، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران

Email: [r\\_pourmohammadi@sbu.ac.ir](mailto:r_pourmohammadi@sbu.ac.ir)

#### چکیده

این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به بررسی مشابتهای روش شناختی در سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازد. با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی معرفتی و بسترهای فرهنگی، نتایج نشان می‌دهد که هر دو نظام در تفسیر متون مرجع خود - قرآن کریم و قانون اساسی - در چهار محور اصلی همگرایی دارند: محوریت معنای ظاهری و عرفی الفاظ، رویکرد اصالت‌گرایانه به معنا، احتیاط در پذیرش اهداف غیر مصرح قانون‌گذار، و بی‌توجهی نسبی به پیامدهای اجتماعی تفسیر. تحلیل تطبیقی این وجوه اشتراک، افق‌های تازه‌ای را برای توسعه مطالعات تطبیقی در حوزه اصول فقه و نظریه تفسیر حقوقی می‌گشاید و زمینه گفت‌وگو میان دو سنت حقوقی ظاهراً ناهمگون را فراهم می‌آورد.

**واژگان کلیدی:** نص‌گرایی، معنای ظاهری، آخوند خراسانی، اسکالیا، قصدگرایی.

## مقدمه

در فقه اسلامی احکام خاص و ویژه‌ای برای صید با سلاح وجود دارد.<sup>۱</sup> برای مثال، از امام باقر(ع) نقل شده: «مَنْ جَرَحَ صَيْدًا بِسِلَاحٍ وَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ... فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ»<sup>۲</sup> این احکام ناظر به صید با سلاح‌های متعارف در آن زمان؛ یعنی شمشیر و تیرکمان بوده و در برخی روایات به این امر تصریح شده است.<sup>۳</sup> در تفسیر روایات مذکور یکی از پرسش‌های مطرح‌شده برای فقها این است که آیا عبارت «مَنْ جَرَحَ صَيْدًا بِسِلَاحٍ» شامل گونه‌های مستحدثه سلاح؛ مانند تفنگ نیز می‌شود؟<sup>۴</sup> این مسئله ریشه در پرسشی بنیادی‌تر دارد و آن این است که آیا اساساً اطلاقات و عمومات ذکرشده در آیات و روایات شامل موضوعات نوپدید می‌شوند یا خیر؟ در این خصوص نظریات متعددی از سوی فقها ارائه شده اما آنچه درخور تأمل است، استناد موافقان و مخالفان به رویه عقلا در تفسیر کلمات قانون است؛<sup>۵</sup> یعنی هم مخالفان و هم موافقان استدلال می‌کنند که نظریه پیشنهادی آنان موافق با رویه عقلائی عالم در تفسیر عبارات روزمره و قوانین است. نظیر این مواجهه را در دیگر مباحث اصول فقه (به ویژه مباحث الفاظ) نیز مشاهده می‌کنیم.<sup>۶</sup> در چنین شرایطی برای راستی‌آزمایی این ادعاها باید به سراغ دیگر نظام‌های عقلایی - خصوصاً نظام‌هایی که تحت تأثیر سنت تفسیری اصول فقه نبوده‌اند - رفت و روش تفسیری آنان را بررسی کرد. اما آیا چنین مقایسه‌ای از اساس صحیح است؟ برای مثال، آیا از اساس اصلاً ادبیات مشترکی میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا وجود دارد تا بتوان به مقایسه روش تفسیری آنان پرداخت؟ ممکن است ادعا شود که هر نوع مطالعه تطبیقی میان روش تفسیری فقه و حقوق آمریکا از اساس غلط و گمراه‌کننده است؛ زیرا مقایسه و تطبیق، فرع بر وجود یک‌سری اشتراکات است و میان این دو نظام هیچ اشتراکی نیست.<sup>۷</sup> ادعای مقاله حاضر این است که به میزان تفاوت‌های موجود میان فقه و حقوق آمریکا، شباهت نیز وجود دارد. برای مثال، از جمله بحث‌های مفصل در حقوق آمریکا این است که آیا عمومات ذکرشده در قوانین قدیمی شامل موضوعات نوپدید نیز می‌شود؟ لان فولر، حقوق‌دان برجسته آمریکایی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا عمومات ممنوعیت حمل «سلاح خطرناک» نیز شامل خودکاری می‌شود که اشعه‌کشنده پرتاب

۱. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۳۶۲/۲۳.

۲. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۳۶۲/۲۳.

۳. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۳۶۳ تا ۳۶۲/۲۳.

۴. محقق سزواری، کفایة الاحکام، ۵۷۶/۲؛ طباطبائی کربلایی، ریاض المسائل، ۲۷۴/۱۳؛ نراقی، مستند الشیعة، ۳۱۹/۱۵؛ صاحب‌جوهر، جواهر الکلام، ۱۵/۳۶.

۵. نک: پورمحمدی، نوبهار، «استناد به عمومات در حل مسائل نوپدید؛ مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حقوق آمریکا»، ۹۴ تا ۶۵.

۶. نک: محقق داماد، حسینی نسب، پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی، ۱/۱۳۴، ۱۷۵.

۷. نک: پورمحمدی، «اصول حاکم بر پژوهش‌های تطبیقی در حقوق»، ۹۷ تا ۷۱.

می‌کند؟<sup>۸</sup> پاسخ و استدلالی که او ارائه می‌دهد بسیار مشابه با پاسخ محقق سبزواری در شمول واژه «سلاح» نسبت به تفنگ است.<sup>۹</sup>

در این مختصر نوشتار قصد ندارم تا به مطالعه مکاتب و قواعد تفسیر متن در این دو نظام حقوقی پردازم. نگارنده پیشتر ذیل دو اثر مستقل با عناوین «مکاتب تفسیری در فقه امامیه» و «تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری» به تفصیل در این باره بحث کرده است.<sup>۱۰</sup> دغدغه اصلی در اینجا پاسخ به این پرسش است که چه مشابهت‌هایی میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به مقایسه اصول حاکم بر تفسیر قرآن کریم (مهم‌ترین متن نزد فقیهان امامیه) و قانون اساسی ایالات متحده (مهم‌ترین متن نزد حقوق‌دانان آمریکایی) می‌پردازیم. علت چنین انتخابی این است که مکاتب تفسیری هم در سنت تفسیری اسلام و هم آمریکا پیرامون این دو متن پدید آمده‌اند. از سوی دیگر بسیاری، از قرآن کریم با عنوان «قانون اساسی اسلام» یاد کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> از این رو شاید بتوان مدعی شد که این مقاله به مقایسه روش‌های تفسیری دو قانون اساسی می‌پردازد. با این انگیزه، جستار حاضر ذیل پنج بخش سامان یافته است: در بخش اول مروری مختصر بر مکاتب تفسیری در حقوق آمریکا داریم و سپس در قالب چهار بخش به مقایسه محوری‌ترین مباحث تفسیری در سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازیم. این محورها عبارت‌اند از: جایگاه معنای ظاهری در تفسیر (بخش دوم)؛ ثبات یا متغیر بودن معنا (بخش سوم)؛ هدف‌گرایی در تفسیر (بخش چهارم) و در نظر گرفتن پیامدها و نتایج تفسیر (بخش پنجم). دلیل انتخاب این محورها به این سبب است که هر یک از آن‌ها تأثیر مهمی در شکل‌دهی مکاتب تفسیری دارد.

## ۱. در آمدی بر ساختارهای تفسیر قانون اساسی در حقوق آمریکا

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی به تصویب رسید. این قانون، از جمله قدیمی‌ترین قانون‌های اساسی موجود در جهان است که با گذشت بیش از دو قرن هنوز به قوت خود باقی است. قانون اساسی آمریکا تاکنون هیچ تغییری نکرده و صرفاً اصلاحیه‌ها و متمم‌هایی به آن افزوده شده

۸. See Fuller, *American Legal Realism*, 429, 445-46.

۹. محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ۵۷۶/۲.

۱۰. نک: محقق داماد، پورمحمدی، تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری؛ محقق داماد، پورمحمدی، مکاتب تفسیری در فقه امامیه. همچنین نک. محقق داماد، حسینی نسب، پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی، دفتر اول: تفسیر فقهی.

۱۱. آملی، المعالم المأثورة، ۵۵/۳؛ مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۱۵۰/۲، ۳۱۶؛ زحیلی، التفسیر الوسیط، ۷۸۰/۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۱/۱، ۳۹۳/۱۰، ۲۲/۱۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۲۰/۱. مشخصاً تحت تأثیر این باور است که برخی کشورهای اسلامی، مانند عربستان از تدوین قانون اساسی مستقل خودداری کرده‌اند.

است.<sup>۱۲</sup> قدمت و جایگاه ویژه این قانون در آمریکا موجب شده است تا روش‌های تفسیر آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. برای تقریب به ذهن، همان‌طور که در اسلام مکاتب و ادبیات تفسیری راجع به تفسیر قرآن کریم شکل گرفت، در حقوق آمریکا نیز ادبیات تفسیری با محوریت تفسیر قانون اساسی پدید آمد. به‌طورکلی، در حقوق آمریکا چهار مکتب تفسیری بیشترین طرف‌داران را دارد: نص‌گرایی، هدف‌گرایی، قصدگرایی و عمل‌گرایی.<sup>۱۳</sup> نص‌گرایان، در تفسیر به معنای ظاهری عبارات قانون اهمیت می‌دهند و سعی می‌کنند از دخالت‌دادن هر امر برون‌متنی (قراین غیرلفظی) خودداری کنند.<sup>۱۴</sup> قصدگرایان و هدف‌گرایان همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست؛ به‌ترتیب، محوریت تفسیر را به قصد و هدف قانونگذار می‌دهند؛<sup>۱۵</sup> ازاین‌رو اگر معنای ظاهری مخالف با قصد و هدف باشد، آن را تأویل می‌کنند و معنایی موافق با قصد و هدف را می‌پذیرند.<sup>۱۶</sup> عمل‌گرایان نیز در تفسیر سعی می‌کنند تا کارآمدترین تفاسیر را ارائه دهند، هرچند مطابق با قصد یا هدف قانونگذار نباشد.<sup>۱۷</sup> اکنون با در نظر گرفتن این مقدمه به مقایسه سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازیم.

## ۲. معنای ظاهری عبارات

معنای ظاهری، در واقع معنایی است که مخاطب - به‌عنوان یکی از افراد عرف - از ظاهر کلام گوینده می‌فهمد.<sup>۱۸</sup> برای مثال، عرف از شنیدن واژه «سیب» به معنای میوه‌ای مشخص منتقل می‌شود. معنایی را به‌اصطلاح «معنای ظاهری» یا «معنای عرفی» گویند که هم در سنت تفسیری فقه امامیه و هم حقوق آمریکا به‌عنوان بنیادی‌ترین مفهوم تفسیری قلمداد می‌شود.

### ۲.۱. معنای ظاهری در سنت فقه امامیه

این ادعا گزاره نیست اگر گفته شود همه مباحث الفاظ اصول فقه امامیه در واقع تلاشی است برای

12. See Kammen, *The Origins of the American Constitution*; Lutz, *The Origins of American Constitutionalism*; Fruchman, *American Constitutional History*.

۱۳. نک: محقق داماد، پورمحمدی، تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری؛ پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی.

14. See Scalia and Garner, *Reading Law*, 86; Beccaria, *An Essay on Crimes and Punishments*, Greenough and Kittredge, *Words and Their Ways in English Speech*, 324-25.

15. See Cross, *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*, 59-60; Barak, *Purposive Interpretation in Law*, 89; Manning and Stephenson, *Legislation and Regulation, Cases and Materials*, 22.

16. Gorsuch, "2016 Sumner Canary Memorial Lecture," 137.

17. See Posner, *The Problems of Jurisprudence*, 26; Posner, *How Judges Think*, 7-8; Posner, "What Has Pragmatism to Offer Law?," 1664; Luban, "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?"; Posner, "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint," 539.

۱۸. علامه حلی، نه‌ایة الوصول، ۴۰۵/۲؛ صدر، بحوث، ۳۷۷/۹؛ خوبی، مصباح‌الاصول، ۲۸۱/۱.

شناخت معنای ظاهری آیات و روایات. محقق خویی در تعریف معنای ظاهری می‌گوید: «منظور از معنای ظاهری، آن معنایی است که اهل عرف از کلام می‌فهمند.»<sup>۱۹</sup> غالب فقیهان امامیه باور دارند که قرآن کریم (یا حداقل آیات الاحکام) به زبان عرفی و فهمیدنی نازل شده است، زیرا هدف آن تنظیم روابط حقوقی و عبادی مکلفان است، پس باید به اندازه‌ای به عرف و زبان روزمره مخاطبان خود نزدیک باشد که آن را بفهمند. از این رو، از جمله پیش‌فرض‌های مسلم در تفسیر قرآن کریم نیز همین است که این متن مقدس از زبان عرفی پیروی کرده است و در تفسیر آن نیز باید فهم عرفی و معنای ظاهری را محور قرار داد.<sup>۲۰</sup> این رویه در تفاسیر ائمه (ع) از آیات الاحکام نیز دیده می‌شود که براساس معنای ظاهری به استنباط احکام پرداخته‌اند.<sup>۲۱</sup>

البته برخی فقیهان امامیه با تفسیر براساس معنای ظاهری مخالف‌اند. پیروان این نظریه، که عموماً با عنوان «اخباری» شناخته می‌شوند، صرفاً تفسیر براساس معنای صریح را اجازه داده و تفسیر براساس معنای ظاهری را روا نمی‌دانند.<sup>۲۲</sup> برای مثال، حر عاملی (۱۱۰۴ق) نیز بابتی در وسائل الشیعة گشوده و چنین ابراز داشته است: «استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن روا نیست، مگر بعد از شناخت آن‌ها از امامان معصوم علیهم السلام.»<sup>۲۳</sup>

در حال، جریان اصلی در سنت فقه امامیه، براساس معنای ظاهری به تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد. البته ناگفته نماند که در این سنت، معنای ظاهری اصالت ندارد و صرفاً از باب کاشفیت از قصد شارع معتبر است. شهید صدر در این باره می‌گوید: «هیچ شک و شبهه‌ای نزد همه [اصولیان و فقیهان] وجود ندارد که منظور از اصالة الظهور همانا رسیدن و کشف مراد جدی و مقصود متکلم است.»<sup>۲۴</sup> یعنی معنای ظاهری «سنگ نشان است که ره گم نشود.» از این رو، اگر فقیه به طریقی مانند شهرت فتوایی یا اجماع

۱۹. خویی، مصباح الأصول، ۲۸۱/۱ (المراد من الظهور هو الذي يفهمه اهل العرف من اللفظ).

۲۰. محقق داماد، حسینی نسب، پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی، ۱۳۴/۱، ۱۷۵.

۲۱. نک: صدر، اصول و قواعد استنباط ائمه از قرآن، ۳۳۱ تا ۳۷۲، ۳۹۹ تا ۴۰۱.

۲۲. استرآبادی، الفوائد المدنية و بذیله الشواهد المکیة، ۲۷۰؛ حر عاملی، الفصول المهمة، ۵۳۶/۱؛ حر عاملی، الفوائد الطوسية، ۱۸۶، ۴۷۵؛ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۱۷۶/۲۷.

۲۳. نک: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۱۷۶/۲۷؛ مجلسی، مرآة العقول، ۵۲۱/۱۲ تا ۵۲۲.

۲۴. صدر، بحوث، ۲۶۶/۴-۲۶۷ (لا إشكال عند الجميع في ان المقصود من أصالة الظهور انما هو التوصل إلى إثبات المراد الجدي للمتکلم). همچنین آخوند خراسانی در این باره می‌فرماید: «لا شبهة في لزوم اتباع ظاهر كلام الشارع في تعيين مراده في الجملة لاستقرار طريقة العقلاء على اتباع الظهورات في تعيين المرادات» (آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۲۸۱)؛ خویی: «تفسیر ایضاح و آشکار ساختن مراد جدی خداوند متعال از کتاب عزیزش می‌باشد» (خونی، الیابان فی تفسیر القرآن، ۳۹۷). موسوی خمینی، «معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد» (خمینی، آداب الصلاة، ۱۹۲). «کشف مراد خدای تبارک و تعالی از الفاظ کتاب عزیز و قرآن مجیدش مانند کشف مراد دیگر گویندگان بشری از طریق کتب آنان است که برای بیان مقاصد و مرادهای خود وضع کرده‌اند» (فاضل موحدی لنگرانی، مدخل التفسیر، ۱۸۴-۱۸۵).

کشف کند که مقصود شارع چیز دیگری است، متن را موافق با قصد - هر چند خلاف ظاهر - تفسیر می‌کند یا آن را به طور کلی کنار می‌گذارد. این در حالی است که نص‌گرایان آمریکایی همان‌طور که به‌زودی اشاره می‌کنیم، برای معنای ظاهری - بما هو معنای ظاهری - ارزش و اعتبار قائل‌اند.

## ۲.۲. معنای ظاهری در حقوق آمریکا

در سنت تفسیری حقوق آمریکا سه معادل برای معنای ظاهری وجود دارد: معنای عرفی،<sup>۲۵</sup> معنای ساده<sup>۲۶</sup> و معنای عمومی.<sup>۲۸۲۷</sup> قاضی هلمز (۱۹۳۵م) در تعریف معنای ظاهری می‌نویسد: «معنایی است که کلمات در دهان یک گوینده عادی انگلیسی‌زبان افاده می‌کنند.»<sup>۲۹</sup> معنای ظاهری کلمات برای همه مکاتب تفسیری در حقوق آمریکا مهم است اما در میان آن‌ها، نص‌گرایان بیشترین تأکید را بر معنای ظاهری عبارات قانون اساسی دارند.<sup>۳۰</sup>

طرف‌داران نص‌گرایی، در تفسیر عبارات قانون اساسی صرفاً خود را وفادار به معنای ظاهری عبارات دانسته و از دخالت دادن هر امر برون‌متنی (مانند قیاس، علت غیرمنصوص، مشروح مذاکرات، اموری مانند مقاصد الشریعة) اکیداً خودداری می‌کنند.<sup>۳۱</sup> قاضی اسکالیا، از رهبران نص‌گرایی، «قاعده تفسیر براساس معنای ظاهری»<sup>۳۲</sup> را به‌عنوان بنیادی‌ترین قاعده معناسناختی در تفسیر حقوقی معرفی می‌کند.<sup>۳۳</sup> او در شرح این قاعده می‌نویسد: «کلمات قانون باید براساس معنای عرفی و روزمره خود تفسیر شوند، مگر اینکه سیاق لفظی نشان دهد که معنای خاص دیگری می‌دهند.»<sup>۳۴</sup> قاضی مارشال، چهارمین رئیس دادگستری ایالات متحده در سال‌های ۱۸۰۱ تا ۱۸۳۵ میلادی نیز در این باره می‌نویسد: «کلمات و عبارات قانون اساسی باید با

25 ordinary meaning

26 plain meaning

27 public meaning

28 Tobia, "Testing Ordinary Meaning," 736.

البته تفاوت‌های جزئی میان این عبارات وجود دارد اما با اندکی مسامحه همه در معنای ظاهری به کار می‌روند. نک:

Slocum, *Ordinary Meaning*, 23-25.

29 Holmes, "The Theory of Legal Interpretation," 419-20.

, 25, 26; *Constitutional Fate*, 237; Bobbitt, *Understanding for the Original See*, e.g., Brest, "The Misconceived Ques 30. Scalia, *A Matter of Interpretation, New Edition*, 23; Noonan, *Narrowing the Nation's Power*, 9.

۳۱. نک: محقق داماد، پورمحمدی، تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری، ۳۸۶؛ پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی، ۴۴ تا ۵۰؛ پورمحمدی، سیمایی صراف، «جایگاه تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، ۴۵ تا ۶۷؛ پورمحمدی، سیمایی صراف، «ضوابط استناد به تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، ۳۰ تا ۴۹.

32. Ordinary-Meaning Canon

33. Scalia and Garner, *Reading Law*, 79.

34. Scalia and Garner, 79.

این پیش فرض فهم و درک شوند که کلمات در معنای عرفی خود به کار رفته‌اند.»<sup>۳۵</sup> نمونه تفسیری براساس معنای ظاهری را می‌توانید در مثال ذیل ملاحظه کنید:

قسمت اول از متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: «همه افراد (All persons) از حقوق مساوی برخوردارند.» در تفسیر قانون مذکور برخی گفته‌اند: هرچند عبارت «همه افراد» عام است ولی این قانون با قصد ایجاد برابری میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان وضع شده است، لذا باید معنای آن را صرفاً محدود به برابری حقوق سیاه‌پوستان و سفیدپوستان دانست.<sup>۳۶</sup> از این رو، نمی‌توان از آن برای برابری میان مردان و زنان یا برابری ادیان بهره جست. اما قضات نص‌گرا، که صرفاً به معنای ظاهری اهمیت داده و کاری به قراین غیرلفظی ندارند، تفسیر مذکور را نمی‌پذیرند؛ زیرا عبارت «همه افراد» ظهور در عمومیت دارد، در نتیجه تبعیض میان هر فرد و گروهی را شامل شود.

باتوجه به محوریت معنای ظاهری در مکتب نص‌گرایی، طرفداران این مکتب دست به تألیفات متعددی در زمینه قواعد تفسیری و روش‌های کشف معنای ظاهری زده‌اند.<sup>۳۷</sup> قاضی اسکالیا، از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نص‌گرایی، کتاب مفصلی در باب قواعد تفسیری تألیف کرده است که مباحث و استدلال‌های آن شباهت زیادی به مباحث الفاظ‌اصولیان دارد.<sup>۳۸</sup> برای نمونه، به سه بحث ذیل اشاره می‌کنیم:

۱. قاعده معنای ثابت<sup>۳۹</sup> (بحث‌های حقیقت شرعیه، ظهور حین‌الصدور و ظهور حین‌الوصول، اصالت عدم‌نقل معنا و...).

۲. قاعده اصالة‌العموم<sup>۴۰</sup> و حمل عام بر خاص<sup>۴۱</sup> (بحث‌هایی نظیر چیستی عموم، الفاظ‌عموم، علل تقدم خاص بر عام، منحصص‌نبودن مورد عموم، حمل الفاظ عام بر موضوعات نوپدید و...).

۳. قاعده معنای مخالف<sup>۴۲</sup> (چیستی مفهوم مخالف، علل تقدم مفهوم مخالف بر منطوق، انواع مفهوم مخالف و...).

35. Chief Justice John Marshall, *Gibbons v. Ogden*, 22 U.S. (9 Wheat.) 1, 71 (1824).

36. Cf. Sugarman v. Dougall, 413 U.S. 634, 649-50 (1973); See also Farnsworth, "Women Under Reconstruction."

37. See Scalia and Garner, *Reading Law*; Jellum, *Mastering Statutory Interpretation*.

38. Scalia and Garner, *Reading Law*.

39. Scalia and Garner, 86 "Fixed-Meaning Canon."

40. Scalia and Garner, 103 "General-Terms Canon."

41. Scalia and Garner, 172 "General/Specific Canon."

42. Scalia and Garner, 108 "Negative-Implication Canon."



### ۳. فهم اصالت‌گرایانه

در تقسیمی کلی می‌توان نظریات تفسیری را به نظریات اصالت‌گرا<sup>۴۳</sup> و غیراصالت‌گرا<sup>۴۴</sup> تقسیم کرد. با اندکی مسامحه، اصالت‌گرایان باور دارند که معنای عبارات قانون ثابت است و مفسر باید معنایی را به عبارات قانون بدهد که اصالتاً واجد آن معناست. در نتیجه، تغییر و تحولات اجتماعی هیچ تأثیری بر معنای قانون نخواهد داشت. در این بخش از مقاله اصالت‌گرایی در سنت فقه و حقوق آمریکا را بررسی می‌کنیم.

#### ۳.۱. فهم اصالت‌گرایانه در سنت فقه امامیه

هماره جریان غالب در تفسیر فقهی بر این بوده است که مفسر باید ظهور متن هنگام صدور یا به تعبیر اصولیان «الظهور حين الصدور» را به دست آورد.<sup>۴۵</sup> شهید صدر در بحوث این پرسش را مطرح می‌کند: «کدام یک از دو ظهور حجت است: ظهوری که در عصر صدور نص پدید می‌آید یا ظهور پدیدآمده در عصر فهم نص؟»<sup>۴۶</sup> سپس پاسخ می‌دهد: «همانا آنچه [در تفسیر متن] معتبر است ظهور پدیدآمده در عصر صدور نص می‌باشد؛ زیرا طبق مکتب ما، حجیت ظاهر - چنان‌که اشاره کردیم - امری تبعیدی نیست؛ بلکه اصلی عقلانی مبتنی بر قضاوت در مورد وضعیت ظاهری گوینده است و ظاهر حال او بر پیروی از روش‌های عرف و زبان در مقام فهماندن و فهمیدن استقرار یافته است. این ظاهر حال، همان سرّی است که مبنای اصالة الظهور قرار می‌گیرد.»<sup>۴۷</sup>

طراحی و ارائه بسیاری از قواعد تفسیری و ضمیمه کردن آن به «اصالة عدم نقل» نیز مبتنی بر همین پیش‌فرض است که رسالت مفسر، کشف ظهور متن در هنگام صدور آن متن است.<sup>۴۸</sup> از این رو، از جمله هنرهای فقیه این است که با مطالعه متون مرتبط با عصر تشریح، چنان انسی با آن دوران پیدا کند که گویی در آن عصر می‌زیسته است. این توانایی به فقیه کمک می‌کند تا آیات و روایات را همان‌گونه که مشافهین

Originalism<sup>43</sup>.

originalism-Non<sup>44</sup>.

۴۵. اینکه مفسر وظیفه دارد تا ظهور متن در هنگام صدور را به دست آورد، به اندازه‌ای برای اصولیان مسلم بوده است که مستقلاً بدان نپرداخته‌اند اما وجود این پیش‌فرض در همه مباحث اصولی کاملاً قابل ردیابی است، بلکه اساساً برخی از مباحث الفاظ؛ مانند مبحث حقیقت شرعی، صحیح و اعم و مشتق صرفاً با انگیزه کشف ظهور متن در هنگام صدور آن تدوین یافته‌اند. نک: شهید ثانی، تمهید القواعد، ۱۲؛ ابن‌شہید ثانی، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ۳۴ تا ۳۵؛ میرزای قمی، القوانين المحكمة، ۹۴/۱، ۱۷۲، ۳۰۹، ۴۲۵ تا ۴۲۶؛ حائری اصفهانی، الفصول الغرّیة، ۱۷، ۳۲، ۴۴، ۵۲، انصاری، مطارح الأنظار، ۲۹/۱، ۷۴، ۷۵، ۲۴۸، ۶۱۳، ۶۹۷؛ آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۰۷، کرباسی، اشارات الأصول، ۳۱؛ مظفر، اصول الفقه، ۳۰/۱؛ تقوی اشتهاردی، تنقیح الأصول، ۸۸/۱؛ خمینی، تهذیب الأصول، ۸۵/۱.

۴۶. صدر، بحوث، ۳۷۹/۹.

۴۷. صدر، بحوث، ۳۷۹/۹ (و الجواب الصحیح هو أن موضوع الحجیة هو الظهور فی عصر صدور النص، و النکة فی ذلك وفقاً لمنهجنا هي أن أصالة الظهور علی ما ذکرنا ليست أصلاً تبعدياً، وإنما هي أصل عقلائی مبني علی تحکیم ظاهر حال المتکلم؛ إذ إن ظاهر حاله هو الجري علی أسالیب العرف و اللغة فی مقام التفهیم و التفهم، و هذا الظهور الحالي هو النکة النوعية التي تبرر جعل أصالة الظهور).

۴۸. عراقی، تقریرات الأصول، ۱۱۸ تا ۱۱۷؛ مدرسی یزدی، نماذج الأصول، ۲۶۲/۱.

می‌فهمیده‌اند، درک کند. حتی برخی این توانایی را شرط ضروری برای افتا دانسته‌اند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «فقیه باید با روایات آن‌چنان انسی پیدا کند که بر کیفیت گفت‌وگوی عرفی در عصر تشریح و کیفیت استدلال کردن بر احکام تسلط یابد...»<sup>۴۹</sup>

فارغ از اینکه در سنت فقه امامیه معنای الفاظ قرآن ثابت است و مفسر وظیفه دارد تا معنای حین‌الصدور را کشف کند؛ برخی اصولیان پا را فراتر گذاشته و گفته‌اند: اساساً ظهوری که برای غیر مشافهین شکل می‌گیرد اعتمادش دنی نیست؛<sup>۵۰</sup> بلکه برخی این دیدگاه را مقتضای مذهب امامیه دانسته‌اند.<sup>۵۱</sup> میرزای قمی (۱۲۳۱ق) از طرف‌داران جدی این نظریه است.<sup>۵۲</sup> بر این اساس، معنایی که امروزه از آیات برای ما شکل می‌گیرد با توجه به فاصله گرفتن از عصر صدور، درخور اعتماد نیست و با فهم اصیل فاصله دارد. البته ممکن است از باب دکترین انسداد یا روش‌های دیگری از معنای ظاهری آیات بهره ببریم. در هر صورت، مشهور اصولیان با نظریه میرزای قمی موافق نیستند.<sup>۵۳</sup>

### ۳.۲. فهم اصالت‌گرایانه در حقوق آمریکا

نص‌گرایان و قصدگرایان آمریکایی باور دارند که معنای عبارات قانون اساسی ثابت است و تغییر اوضاع و احوال اجتماعی تأثیری بر آن ندارد.<sup>۵۴</sup> اگر کلمه‌ای در سال ۱۷۸۹ میلادی بر معنای مشخصی دلالت داشته، امروزه هر چند بسیاری از مناسبات اجتماعی تغییر کرده‌اند قاضی باید تلاش کند تا همان معنای اصلی<sup>۵۵</sup> را به دست آورد. حتی نص‌گرایان قاعده‌ای دارند با عنوان «قاعده معنای ثابت»<sup>۵۶</sup> که بر اساس آن معنای الفاظ قانون ثابت است و با گذر زمان تغییری نخواهد کرد.<sup>۵۷</sup> دنیل وبستر، حقوق‌دان شهیر قرن

۴۹. خمینی، تهذیب الأصول، ۱۴۲/۳.

۵۰. وحید بهبهانی، حاشیه مجمع الفائدة والبرهان، ۵۳۸ (لأن الخطاب مختص بالحاضرين - علی ما هو الحق والمحقق)؛ حسینی عاملی، مفتاح الكرامة، ۲۱۴/۱۲ تا ۲۱۵ (إن خطابات القرآن الشريف مختصة بالمشافهين ولا يتعدى إلى الغائبين إلا بدليل وهو في الغالب الإجماع)؛ طباطبائی کربلایی، ریاض المسائل، ۱۶۳/۸ تا ۱۶۴ (بناءً على المختار الذي عليه علماءنا الأبرار من اختصاص مثل الخطاب بالمشافهين، وأن التعدية منهم إلى الغائبين تحتاج إلى دليل مبین، وهو في الأغلب الإجماع).

۵۱. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۱۶/۴۱ (بناء على المعلوم من مذهب الإمامية من اختصاص الخطاب بالمشافهين دون غيرهم)؛ نک: میرزای قمی، القوانين المحكمة، ۲۲۴/۲، ۵۲۸. برای ملاحظه ثمرات فقهی این نظریه نک: نراقی، مستند الشریعة، ۳۷۰/۴، ۱۲۴/۱۰، ۱۶۳/۱۴، ۱۵۷، ۴۸/۱۸.

۵۲. نک: میرزای قمی، القوانين المحكمة، ۲۳۹/۴.

۵۳. نک: محقق داماد، حسینی نسب، پورمحمدی، اصول فقه تحلیلی، ۱۷۴ تا ۱۶۹/۱.

A Treatise on the Constitutional Limitations, 45; Cooley, An Introduction to the Study of Jurisprudence See Thibaut, 54. Which Rest upon the Legislative Power of the States of the American Union, 59; Dickerson, "Statutes and Constitutions in an Age of Common Law"; Easterbrook, "The Role of Original Intent in Statutory Construction," 59.

55. Original Meaning

56. Fixed-Meaning Canon

57. Scalia and Garner, Reading Law, 86; See also Greenough and Kittredge, Words and Their Ways in English Speech, 234-61; Barber, Linguistic Change in Present-Day English, 85.

نوزدهم در این باره می‌نویسد: «ما باید معنای قانون را آن‌چنان فهم کنیم که پدران و اجداد ما فهم می‌کرده‌اند، چراکه معنای قانون ثابت است و تغییری نخواهد کرد.»<sup>۵۸</sup>

در مقابل، طرفداران نظریه تفسیر پویا<sup>۵۹</sup> یا نظریات به‌روزرسانی در تفسیر<sup>۶۰</sup> و همچنین عمل‌گرایان<sup>۶۱</sup> باور دارند که معنای قانون ثابت نیست و با گذر زمان تغییر می‌کند.<sup>۶۲</sup> برای مثال، یک حقوق‌دان آمریکایی در این باره می‌نویسد: «معنای واژگانی که توسط قانونگذار در متن قانون استفاده شده‌اند... با گذر زمان تغییر خواهند کرد و گاهی این تغییر به قدری است که فهم معنای اولیه قانون برای دادگاه‌ها دشوار خواهد بود... با توجه به اینکه معنای واژگان به‌کاررفته در قانون تغییر می‌کند، احکام و قوانین مستفاد از این واژگان نیز تغییر خواهند کرد، هرچند که ممکن است در زمان صدور، معنای این واژگان کاملاً روشن و صریح بوده باشد.»<sup>۶۳</sup> برخی دیگر نیز باور دارند: «معنای متن قانون دائماً در حال رشد است و مفسر باید متناسب با روح قانون به تفسیر متون قانونی بپردازد.»<sup>۶۴</sup>

#### ۴. هدف قانون و مقاصد الشریعه

تفسیر براساس مقاصد و اهداف کلان قانون همواره مدّ نظر فقیهان امامیه و حقوق‌دانان آمریکایی بوده است، جز آنکه میان این دو نظام حقوقی راجع به روش‌های کشف مقاصد اختلاف نظر وجود دارد. در ادامه به مقوله هدف‌گرایی در سنت فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازیم.

##### ۴. ۱. هدف و مقاصد شریعت در سنت فقه امامیه

در سنت فقه امامیه بحث از مقاصد شریعت و اهداف کلان شارع -آن‌طور که مدّ نظر فقیهان اهل سنت یا حقوق‌دانان آمریکایی است- چندان محل توجه نبوده است؛ زیرا ازسویی به‌باور برخی، مقاصد و اهداف شارع امری مخفی و دور از دسترس عقل بشر است<sup>۶۵</sup> و ازسوی دیگر، همواره خوف از گرفتاری در قیاس موجب شده تا فقیهان سراغ هدف‌گرایی نروند.<sup>۶۶</sup> با این وجود، تلاش‌هایی ازسوی برخی فقیهان برای تبیین

58. Webster, *The Works of Daniel Webster* ..., 164.

59. dynamic interpolation

60. Updating Statutory Interpretation

61. pragmatic interpretation

62. See Aleinikoff, "Updating Statutory Interpretation."

63. Witherspoon, "Administrative Discretion to Determine Statutory Meaning," 63.

64. Cabot, *The Meaning of Right and Wrong by Cabot, Richard C.*

۶۵. خونی، موسوعة الامام الخونی، ۴۱۶/۲۰.

۶۶. کلیبی، الکافی، ۵۴/۱.

نقش مقاصد الشریعه و درعین حال مراقبت از گرفتارنشدن در دام قیاس ملاحظه می‌شود.<sup>۶۷</sup>

آنچه گفتیم ناظر به هدف‌گرایی در سطح کلان بود، اما هدف‌گرایی در سطح غیرکلان امری پذیرفته شده و رایج در سنت فقه امامیه است.<sup>۶۸</sup> از این نوع هدف‌گرایی، بسته به کیفیت شناسایی و تعمیم حکم، با عناوینی از این دست یاد می‌شود: تنقیح مناط، الغای خصوصیت، قیاس منصوص العلة. وجه مشترک موارد مذکور، مستندبودن آن‌ها به کتاب و سنت است.<sup>۶۹</sup> البته ضرورتی ندارد که در یک آیه یا روایت به صورت مشخص به آن هدف تصریح شده باشد، بلکه اگر از مجموع ادله برای فقیه اطمینان نسبی به وجود آن هدف نزد شارع حاصل شود نیز کفایت می‌کند. برای مثال، از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است: «لَا تَدْعُ صُورَةً؛ تصویرگری [از جمله مجسمه‌سازی] مکن.» برخی فقیهان با بررسی سایر روایات به این اطمینان رسیده‌اند که هدف شارع از چنین حکمی، از بین بردن آثار کفر و شرک بوده است؛ زیرا عده‌ای در آن دوران مقابل مجسمه‌ها خضوع و عبادت می‌کرده‌اند. براین اساس، در تفسیر روایت مذکور گفته‌اند که اگر مجسمه‌سازی برای عبادت و پرستش نیست، اشکالی ندارد. امام خمینی در این باره می‌نویسد: ظاهر این است که مراد این روایات خصوص تصویرگری تمائیلی است که مردم راجع به آن‌ها عکوف داشته‌اند.<sup>۷۰</sup> این نوع هدف‌گرایی مستند به دلیل شرعی بوده و نزد فقیهان امامیه پذیرفته شده است.

#### ۲. ۴. هدف و روح قانون در حقوق آمریکا

نظریه مقاصد الشریعه در حقوق آمریکا با عنوان‌های «هدف قانون»<sup>۷۱</sup> یا «روح قانون»<sup>۷۲</sup> شناخته می‌شود اما در میان مکاتب تفسیری، نص‌گرایان در برخورد با اهداف قانونگذار مواجهه‌ای نظیر فقیهان امامیه دارند؛ یعنی اگر برای هدف، مستند قانونی (یعنی نص قانونی) در میان باشد، هدف‌گرایی را می‌پذیرند و در غیر این صورت، بسیار با آن مخالف‌اند. قاضی اسکالیا علت مخالفت خود با هدف‌گرایی و روح‌گرایی<sup>۷۳</sup> را این‌گونه بیان می‌کند: «هیچ‌کس تاکنون اصول و ضوابطی را برای این روح قانون که می‌تواند بر عبارات قانون غلبه کند، ارائه نکرده است. این مفهوم [روح قانون]، در عمل، یک قدرت قضایی

۶۷. شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱۳۸/۲، ۶۴ تا ۶۰، ۱۴۱/۱ تا ۱۴۴؛ محقق حلی، معارج الاصول، ۱۶۳؛ فاضل مقداد، التنقیح الرائع، ۱۴/۱؛ صدر، اقتصادنا، ۲۸۸؛ مغنیه، فقه الامام الصادق (ع)، ۶۷/۳.

۶۸. سبحانی، اصول الفقه المقارن، ۳۶۲؛ محقق حلی، معارج الاصول، ۱۶۴؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۶۴/۳، ۲۴۸/۸.

۶۹. البته از حیث نظری مستند شرعی منحصر به کتاب و سنت نیست، بلکه گاهی مقاصد را به کمک عقل می‌شناسیم (مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۴۹۳/۲)، البته در عمل غالباً مستند صرفاً همان کتاب و سنت است.

۷۰. نک: خمینی، مکاسب المحرمه، ۲۵۸/۱. برای نظر مخالف نک: حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۱۸۵/۱.

Purpose of Law 71.

Spirit of Law 72.

73. Spiritualism

نامشخص و در نتیجه، نامحدود برای نادیده گرفتن آنچه قانون می‌گوید، است.<sup>۷۴</sup> البته مخالفت با هدف‌گرایی مختص نص‌گرایان نیست و پیشینه تاریخی دارد. بکاریا، فیلسوف حقوق قرن ۱۸ میلادی عمیقاً باور داشت: «هیچ چیز خطرناک‌تر از در نظر گرفتن روح قوانین نیست. پذیرش آن به معنای راه‌دادن به سیل نظریات شخصی به حقوق است.»<sup>۷۵</sup>

در مقابل، هدف‌گرایان آمریکایی - همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست - با هدف‌گرایی در تفسیر بسیار موافق‌اند.<sup>۷۶</sup> به‌طور کلی، هدف‌گرایان از الفاظ به‌کاررفته در متن قانون عبور کرده و تمرکزشان را روی هدف نهایی<sup>۷۷</sup> و هدف‌های کلی<sup>۷۸</sup> آن می‌نهند. آن‌ها عمیقاً باور دارند که قوانین باید «به‌گونه‌ای تفسیر شوند که اهداف مدّ نظر نویسندگان قانون تحصیل گردد»<sup>۷۹</sup> و لذا «اصالت باید به روح استنباط‌شده از یک قانون داده شود، هرچند به قیمت صرف نظر کردن از متن قانون.»<sup>۸۰</sup> در این خصوص، قاضی چشین بیان می‌دارد: «قانون به‌خودی‌خود هدف نیست. ابزاری برای دستیابی به اهداف و مقاصد است؛ مانند کشف حقیقت، اجرای عدالت، دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی. «انجام قانون» به معنای «اجرای عدالت با ابزار قانون» است.<sup>۸۱</sup> قاضی ویلیام بلک‌استون، قاضی شهیر انگلیسی در قرن ۱۸ میلادی، در اهمیت روح قانون در تفسیر حقوقی می‌نویسد: «جهان‌شمول‌ترین و مؤثرترین راه برای کشف معنای واقعی یک قانون در صورت مشکوک بودن کلمات، توجه به دلیل و روح آن است.»<sup>۸۲</sup> نمونه‌ای از گرایش هدف‌گرایی به تفسیر قانون را می‌توان در پرونده جنجالی کلیسای ترینیتی مشاهده کرد: قضیه از این قرار است کلیسای ترینیتی به کشیشی انگلیسی تبار وجوهی پرداخت می‌کند تا او را به آمریکا فرستد و در آنجا مدیریت کلیسایی را عهده‌دار شود. ایالات متحده همچون خروس بی‌محل از راه می‌رسد و مدعی می‌شود که این عمل، نقض قانون فدرالی است که مقرر می‌دارد: «هیچ شخصی نباید برای جابه‌جایی یا مهاجرت فرد یا افراد بیگانه به ایالات متحده که قصد هر نوع کار یا خدمت در آنجا را دارند مبلغی پرداخت نموده یا به این مهاجرت

74. Scalia and Garner, *Reading Law*, 289.

75. Beccaria, *An Essay on Crimes and Punishments*, 25.

76. See Manning and Stephenson, *Legislation and Regulation, Cases and Materials*, 22; Barak, *Purposive Interpretation in Law*.

77. overall purpose

78. general aims

79. Cross, *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*, 60.

80. Garner et al., *Law of Judicial Precedent*, 803.

81. Gorsuch, *A Republic, If You Can Keep It*, 137.

82. See Barak, *Purposive Interpretation in Law*, 221.

69. *Commentaries on the Laws of England* Blackstone, 83.

کمک یا تشویقی نماید.»<sup>۸۴</sup> معنای این قانون کاملاً روشن است و چندان ابهامی راجع به آن وجود ندارد. از عموم مذکور، برخی اصناف؛ همانند بازیگران حرفه‌ای، خوانندگان، سخنرانان و هنرمندان استثنا شده‌اند اما بدون شک «کشیش‌ها» در فهرست استنهاها نیستند. حال ایالات متحده از کلیسای ترینیتی شکایت کرده که او با پرداخت کمک مالی به کشیش انگلیسی تبار در واقع این قانون را نقض کرده است. اما دیوان عالی آمریکا با ارائه تفسیری هدف‌گرا از قانون مذکور، کلیسای ترینیتی را تبرئه کرد. در رأی دادگاه آمده است: هرچند در ظاهر عبارات قانون صرفاً چند صنف خاص استثنا شده‌اند؛ اما اصناف مذکور خصوصیت ندارد و هدف اصلی از چنین استثنایی این بوده است که «شاغلین فکری»،<sup>۸۵</sup> از جمله کشیش‌ها بتوانند از سراسر دنیا وارد ایالات متحده شوند. این هدفی که قضات دیوان عالی به آن استناد می‌کنند در هیچ قانونی تصریح نشده است ولی باین وجود، قانون در پرتو آن تفسیر شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این پرونده آنچه همه‌کاره است «هدف قانون» است و نه ظاهر عبارات قانون. برخی طرفداران هدف‌گرایی، با کنایه به نص‌گرایان اعلام می‌دارند: «این هدف است که باید در تفسیر قوانین مربوطه راهنما باشد، نه لغت‌نامه آکسفورد.»<sup>۸۶</sup>

## ۵. پیامدهای تفسیر

برخی نظریات تفسیری صرفاً بر روش تفسیری تمرکز می‌کنند و برخی دیگر به پیامدهای تفسیر نیز اهمیت می‌دهند. در این بخش به جایگاه پیامدهای تفسیر در سنت فقه امامیه و حقوق آمریکا می‌پردازیم:

### ۵. ۱. پیامدهای تفسیر در سنت فقه امامیه

جریان غالب فقیهان امامیه خود را وفادار به معنای ظاهری آیات قرآن کریم می‌دانند و اهمیتی به پیامدهای تفسیر نمی‌دهد. فقیه صرفاً وظیفه دارد تا براساس معنای ظاهری آیات و روایات به کشف قصد و نیت شارع پردازد اما اینکه پیامدهای قصد شارع چه خواهد بود، به او ارتباطی ندارد؛<sup>۸۷</sup> یعنی برای او

84. The Act of February 26, 1880, "to prohibit the importation and migration of foreigners and aliens under contract or agreement to perform labor in the United States, its Territories, and the District of Columbia," 23 Stat. 332, c. 164, does not apply to a contract between an alien, residing out of the United States, and a religious society incorporated under the laws of a state, whereby he engages to remove to the United States and to enter into the service of the society as its rector or minister.

85. Brain toilers

86. *Confirmation Hearing on the Nomination of Hon. Neil M. Gorsuch to be an Associate Justice of the Supreme Court of the United States: Hearing Before the S. Comm. on the Judiciary*, 115th Cong. 442 (Mar. 23, 2017) ("those purposes should guide the interpretation of those laws, not the Oxford English Dictionary.").

۸۷. در اصطلاح گفته می‌شود که فقیه صرفاً اخبار از قصد و نیت شارع می‌دهد. او همچون حکایت‌گری است که با استفاده از روش‌های استنباط سعی می‌کند تا قصد شارع را شناسایی کند. فاضل موحدی لنگرانی، *تفصیل الشریعه، القضاء و الشهادت*، ۱۲.

اهمیتی ندارد که نتیجه استنباط او موافق با تمایلات مردم یا کاملاً برای آن‌ها ناخوشایند است، حتی برای او اخلاقی بودن یا موافقت با عدالت نیز چندان ارزشی ندارد. اگر روش علمی در استنباط به‌درستی طی شده است، نتیجه هرچه بادا باد. البته اگر ظاهر آیه و روایتی با حکم قطعی عقل مخالف باشد، از لحاظ نظری فقیهان باور دارند که آن ظاهر باید کنار گذاشته یا حداقل تأویل شود<sup>۸۸</sup> اما در عمل «حکم عقل» به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که به‌ندرت چنین اتفاقی می‌افتد.

## ۲.۵. پیامدهای تفسیر در حقوق آمریکا

در میان حقوق‌دانان آمریکایی، نص‌گرایان در ادبیاتی نسبتاً مشابه با فقیهان امامیه صرفاً خود را وفادار به معنای ظاهری عبارات قانون می‌دانند و اهمیتی به پیامدهای تفسیر نمی‌دهند. براین اساس، قاضی نص‌گرا وظیفه دارد تا براساس قانونی که نمایندگان مردم تصویب کرده‌اند رأی دهد و خوب یا بد بودن قانون به او ارتباطی ندارد.<sup>۸۹</sup> در منظر نص‌گرایان، تفسیر قانون بیشتر شبیه به چیزی مانند حل معادلات ریاضی و فیزیکی است. حل یک معادل ریاضی هرگز جنبه شخصی ندارد. احساسات شما یا کسی که از شما خواسته است تا معادله را برای او حل کنید هرگز بر نتیجه‌گیری شما تأثیری نخواهد گذاشت. در تفسیر نیز شما صرفاً باید با داده‌هایی که در اختیار دارید، معنای قانون را بفهمید و هرگز نباید علایق و باورهای شخصی خود را در حل معادله تفسیر دخالت دهید. اینکه تفسیری موجب برانگیختن خشم اجتماعی یا ناکارآمدی اقتصادی شود، تا زمانی که قواعد حل معادله به‌درستی رعایت شده باشد به شما ارتباطی ندارد. نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توانید در پرونده ذیل ملاحظه کنید:

قانون ایالت لوئیزیانا در ایالات متحده آمریکا مقرر می‌دارد: «هر نوع اغوا، کمک و یا اجازه‌دادن عامدانه به کودکان برای ارتکاب عمل جنسی با افراد بالای ۱۷ سال جرم است.» در ماده دیگر این قانون، «کودکان» به افرادی زیر ۱۷ سال تعریف شده است. در پرونده دولت علیه ارنست گنزال، گنزال به رابطه جنسی غیرقانونی با دختری که ۱۶ سال سن داشت و تاکنون دو بار ازدواج کرده بود، محکوم شد.<sup>۹۰</sup> قضات پرونده با این پرسش مواجه بودند که آیا گنزال حقیقتاً مجرم است؟ چنین سؤالی از این باب برای دادگاه پیش آمده است که هر چند مطابق با متن قانون، رابطه جنسی با شخص ۱۶ ساله جرم‌انگاری شده است؛ ولی کاملاً محتمل است که قانونگذار شخصی که تاکنون دو بار ازدواج کرده، صاحب چند فرزند است و

۸۸. انصاری، فراند الأصول، ۵۷/۱: «و الذي يقتضيه النظر وفاقاً لأكثر أهل النظر أنه كلما حصل القطع من دليل عقلي فلا يجوز أن يعارضه دليل نقلي و إن وجد ما ظاهره المعارضة فلا بد من تأويله إن لم يمكن طرحه.»

55...estrainment," 754 See Manning, "Justice Scalia and the Idea of Judicial R 89.

90. *State v. Gonzales*, 129 So. 2d 796, 241 La. 619 (La. 1961).

احتمالاً بلوغ جسمی و ذهنی شخص ۳۰ ساله را دارد، «کودک» شناسایی نکند. آیا رابطه جنسی با چنین شخصی نیز نظیر رابطه با سایر ۱۶ ساله‌هاست؟! پاسخ قضات نص‌گرا بدون هیچ تأملی مثبت است؛ چراکه گنزال مرتکب رابطه جنسی با شخص زیر ۱۷ سال شده و ارتباط جنسی با چنین شخصی طبق متن قانون ایالت لوئیزیانا جرم است. اگر قانونگذار چنین شخصی را مجرم نمی‌دانست و ملاحظه دیگری داشت، همانا باید آن را به صورت تبصره و استثنا بیان می‌کرد. شایان توجه است که قصدگرایان و هدف‌گرایان - همان‌طور که خواهد آمد - قصد اولیه یا اهداف کلی قانونگذار را مد نظر قرار می‌دهند و براساس آن‌ها احتمالاً گنزال را مجرم نمی‌دانند.

در مقابل، قضات عمل‌گرا به واقعیت‌ها بیشتر توجه می‌کنند تا به قواعد و حقوق.<sup>۹۱</sup> به جای تکیه بر قواعد حقوقی، عمل‌گرایان بر نتایج،<sup>۹۲</sup> پیامدهای تصمیم‌گیری‌های حقوقی<sup>۹۳</sup> و آثار اجتماعی اجرای قانون تمرکز دارند. این تمرکز بر آثار و پیامدها، برخی همچون قاضی اسکالیا را واداشته تا به نظریه عمل‌گرایی عنوان «پیامدگرایی»<sup>۹۴</sup> را اطلاق کند.<sup>۹۵</sup> عمل‌گرایان در تفسیر عبارات یک قانون چندان علاقه‌ای به در نظر گرفتن قواعد تفسیری ندارند و تمام تلاش خود را مبذول می‌دارند تا تفسیری را برگزینند که به قول آن‌ها «بهترین نتیجه»<sup>۹۶</sup> را بدهد.<sup>۹۷</sup> در این رویکرد، در نظر گرفتن پیامدهای تفسیر امری ضروری قلمداد می‌شود. رهبر برجسته نظریه عمل‌گرایی در تفسیر قوانین و اصلی‌ترین نظریه‌پرداز آن‌ها، قاضی ریچارد ای پاسنر<sup>۹۸</sup> است. او در یکی از سخنرانی‌هایش پس از اینکه روش تفسیری‌اش را غیر مرسوم<sup>۹۹</sup> توصیف کرد،<sup>۱۰۰</sup> به تشریح آن پرداخت و این‌گونه بیان داشت: «من خیلی علاقه‌ای به دکترین‌های حقوقی ندارم...<sup>۱۰۱</sup> مواجهه من با یک پرونده به این صورت است که پیش از هر چیز از خود می‌پرسم نتیجه معقول در این پرونده چیست؟ قانون را فراموش کن. نتیجه معقول برای حل این پرونده با توجه به ارزش‌های فردی

91. Posner, "Pragmatic Adjudication," 5-8.

92. Posner, "What Has Pragmatism to Offer Law?," 1664; Luban, "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?," 275-303.

93. Posner, "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint," 539.

94. Consequentialism.

95. Scalia and Garner, *Reading Law*, 22.

96. best resolution of disputes

97. Greenberg, "Legal Interpretation"; Gorsuch, *A Republic, If You Can Keep It*, 137.

98. Judge Richard A. Posner.

99. unorthodox"

100. See Pepperdine University, *Pepperdine Law Review Symposium: Hon. Richard A. Posner*, Youtube (Apr. 8, 2017), at 0:56:02 (last visited Sept. 28, 2020).

101. *Id.* at 0:56:05. "I am not actually very interested in legal doctrines."



شخص خودم چیست یا باتوجه به ارزش‌هایی که گمان می‌شود مقبولیت عام در جامعه دارند<sup>۱۰۲</sup> و زمانی که نتیجه معقول را می‌یابم از خود می‌پرسم آیا چیزی مانع از رسیدن به این نتیجه هست؟ آیا دادگاه عالی در این مورد رأی داشته یا دادگاه خودم [منظور از دادگاه استیناف، دایره هفتم قضایی است] تصمیمی در این مورد داشته یا آیا قانونی بسیار شفاف یا تبصره‌ای از قانون اساسی که هنوز نافذ است در این خصوص وجود دارد؟ اگر با مانع مواجه شوم که با مانع مواجه شده‌ام و از آن تفسیر خودداری می‌کنم،<sup>۱۰۳</sup> ولی به‌رحال از نص قوانین و امور بی‌معنایی مانند دکترین‌های حقوقی و قواعد تفسیری کارم را شروع نمی‌کنم.<sup>۱۰۴</sup> من هیچ‌گاه تاکنون به یک قاعده تفسیری تمسک نکرده‌ام. به نظر من این قواعد هیچ ارزشی ندارند...<sup>۱۰۵</sup> ولی بسیاری از قضات برجسته هستند که بسیار به این قواعد تفسیری توجه دارند. این قضات توجه می‌کنند که عبارات قانون چه می‌گوید، اما این گرایش منجر به نص‌گرایی می‌شود که باب میل من نیست.<sup>۱۰۶</sup>

### نتیجه‌گیری

مقاله را با این پرسش آغاز کردم که آیا می‌توان مشابَهت‌هایی را میان سنت تفسیری فقه امامیه و حقوق آمریکا یافت؟ بدون شک، میان باورها، فرهنگ و ساخت اجتماعی این دو نظام حقوقی تفاوت‌های جدی وجود دارد و شاید چنین مقایسه‌ای در بدو نظر درست به نظر نرسد اما نشان دادم علی‌رغم این اختلاف‌ها، هر دو نظام در اصول و کلیات تفسیر، تابع روش تفسیری نسبتاً مشابهی هستند. شاید به همین دلیل است که برخی پژوهشگران تطبیقی میان حقوق اسلام و غرب گفته‌اند: «تقابل امروزی حقوق اسلام و غرب نه از اختلافات اساسی، بلکه از عزم طولانی و عمدی برای انکار مشابَهت‌ها ناشی می‌شود.»<sup>۱۰۷</sup>

در این نوشتار مشابَهت‌ها ذیل چهار محور شناسایی شد: ۱. تأکید بر معنای ظاهری؛ ۲. فهم اصالت‌گرایانه؛ ۳. عدم اعتبار روح قانون و اهداف غیرمصرح؛ ۴. در نظر نگرفتن پیامدهای تفسیر. اما مشابَهت‌ها به این چهار محور محدود نمی‌شود.

. at 0:56:09. *Id* 102.

103. *Id.* at 0:56:43.

104. *Id.* at 0:57:04.

105. *Id.* at 0:57:38.

106. *Id.* at 0:57:52. Judge Posner emphasized some of the same points he made above in an interview with the *N.Y. Times* shortly after his retirement. See Adam Liptak, *An Exit Interview with Richard Posner, Judicial Provocateur*, N.Y. TIMES (Sept. 11, 2017) ("I pay very little attention to legal rules, statutes, constitutional provisions. . . . The first thing you do is ask yourself—forget about the law—what is the sensible resolution of this dispute?").

107 Bulliet, *The Case for Islamo-Christian Civilization*, vii.

جستار حاضر به‌عنوان پژوهشی پیش‌قدم صرفاً تلاش کرد تا بخشی از ظرفیت مطالعات تطبیقی میان دانش اصول فقه و نظام حقوقی آمریکا را نشان دهد. از دیگر موضوعاتی که ظرفیت نسبتاً خوبی برای مطالعات تطبیقی دارد، مسئله قواعد تفسیری است که در ادبیات حقوق آمریکا از آن با عنوان «canon of interpretation» یا «canons of construction» یاد می‌شود. مشابهت‌ها در قواعد تفسیری و جزئیات مباحث گاهی به‌اندازه‌ای زیاد است که برخی فقیهان معاصر به حقوق‌دانان آمریکایی نسبت سرقت علمی داده‌اند که البته از اساس نسبتی بی‌روا و غلط است. به‌علاقه‌مندان و پژوهشگران بعدی، پژوهش تطبیقی میان مباحث الفاظ اصول فقه و کتاب «Reading Law» نوشته قاضی اسکالیا و گارنر را توصیه می‌کنم.

## منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین. کفایة الأصول. قم: آل‌البیت (ع) لإحياء التراث. چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- آملی، هاشم. المعالم المأثورة. قم: بی‌نا. ۱۴۱۳ق.
- ابن‌شہید ثانی، حسن بن زین‌الدین. معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین. قم: مؤسسه‌النشر الاسلامی. چاپ‌نهم، بی‌تا.
- استرآبادی، محمدامین بن محمدشریف. الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة. قم: مؤسسه‌النشر الاسلامی. ۱۴۲۶ق.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. فرائد الأصول. قم: مجمع‌الفکر الإسلامی. چاپ‌نهم، ۱۴۲۸ق.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. مطارح‌الأنظار. به‌تقریر ابوالقاسم کلانتری. قم: مجمع‌الفکر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۳.
- پورمحمدی، رضا. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های تطبیقی در حقوق»، حقوق تطبیقی. دوره ۵۱، ش ۲، پاییز ۱۴۰۳، ۴۰۹ تا ۴۳۰.
- <https://doi.org/10.22059/jcl.2024.366079.634560>
- پورمحمدی، رضا. درآمدی بر تفسیر حقوقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول، ۱۴۰۲.
- پورمحمدی، رضا، حسین سیمایی صراف. «جایگاه تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری. دوره ۸۷، ش ۱۲۳، پاییز ۱۴۰۲، ۶۷ تا ۴۵.
- <https://doi.org/10.22106/jlj.2022.547173.4653>
- پورمحمدی، رضا، حسین سیمایی صراف. «ضوابط استناد به تاریخ تقنینی در تفسیر حقوقی»، مطالعات حقوق عمومی. دوره ۵۳، ش ۳، تابستان ۱۴۰۲، ۴۹ تا ۳۰.
- <https://doi.org/10.22059/jplsq.2022.337678.3007>
- پورمحمدی، رضا، رحیم نوبهار. «استناد به عمومات در حل مسائل نوپدید؛ مطالعه تطبیقی فقه امامیه و حقوق

آمریکا»، پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب. دوره ۹، ش ۳۳، پاییز ۱۴۰۱، ۹۴ تا ۶۵.

<https://doi.org/10.22091/csiw.2022.7729.2210>

تقوی اشتهازدی، حسین. تنقیح الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول، ۱۴۱۸ق.  
حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم. الفصول الغروية فی الأصول الفقهية. قم: دار احیاء العلوم الاسلامیة.  
چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

حر عاملی، محمدبن حسن. الفصول المهمة فی اصول الأئمة علیهم السلام. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام  
رضا(ع). ۱۴۱۸ق.

شهید اول، محمد بن مکی العاملی. القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیة. قم: کتاب فروشی مفید. بی تا.  
حر عاملی، محمدبن حسن. الفوائد الطوسية. قم: چاپخانه علمیه. ۱۴۰۳ق.  
حر عاملی، محمدبن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل البيت(ع) لإحياء التراث.  
چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.

حسینی عاملی، محمدجوادبن محمد. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول،  
۱۴۰۹ق.

حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. العناوين الفقهية. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.  
خمینی، روح الله. المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول، ۱۳۷۳.  
خمینی، روح الله. آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). چاپ هفتم، ۱۳۷۸.  
خمینی، روح الله. تهذیب الأصول. به تقریر جعفر سبحانی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).  
چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

خوئی، ابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی. چاپ اول، بی تا.  
خوئی، ابوالقاسم. مصباح الأصول. به تقریر محمد سرور واعظ الحسینی بهسودی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام  
الخوئی. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

خوئی، ابوالقاسم. موسوعة الامام الخوئی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی. ۱۴۱۸ق.  
زحیلی، وهبه. التفسیر الوسیط. دمشق: دار الفکر. ۱۴۲۲ق.

سبحانی، جعفر. اصول الفقه المقارن فیما لا نص فیہ. قم: مؤسسه امام صادق(ع). ۱۳۸۳ق.  
شهید ثانی، زین الدین بن علی. تمهید القواعد. قم: بوستان کتاب. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.  
شهید ثانی، زین الدین بن علی. مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة. چاپ اول،  
۱۴۱۳ق.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

صدر، سیدموسی. اصول و قواعد استنباط ائمه از قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۱.  
صدر، محمدباقر. اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۴۱۷ق.

صدر، محمدباقر. بحوث فی علم الأصول. به تقریر حسن عبدالساتر. بیروت: الدار الإسلامية. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.  
صدر، محمدباقر. بحوث فی علم الأصول. به تقریر سیدمحمد هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی. چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.

طباطبائی کربلایی، علی بن محمدعلی. ریاض المسائل. قم: آل البيت (ع) لإحياء التراث. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.  
عراقی، ضیاء الدین. تقریرات الأصول. به تقریر میرزاهاشم آملی. تهران: فراهانی. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.  
علامه حلی، حسن بن یوسف. نهاية الوصول الى علم الأصول. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع). چاپ اول، ۱۴۲۵ق.  
فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: مكتبة المرعشي النجفي. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.  
فاضل موحدي لنكراني، محمد. تفصيل الشريعة: القضاء والشهادات. قم: مركز فقهی ائمة اطهار (ع). چاپ اول، ۱۴۲۷ق.

فاضل موحدي لنكراني، محمد. مدخل التفسير. تهران: مطبعة الحيدري. ۱۳۹۶ق.  
کرباسی، محمدابراهیم بن محمدحسن. اشارات الأصول. بی جا: بی نا. چاپ اول، بی تا.  
کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.  
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص). تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

محقق حلی، جعفر بن حسن. معارج الوصول الى علم الاصول. لندن: مؤسسه امام علی (ع). چاپ اول، ۱۴۲۳ق.  
محقق داماد، سیدمصطفی، سیدمصطفی حسینی نسب، رضا پورمحمدی. اصول فقه تحلیلی؛ تفسیر فقهی. قم: بوستان کتاب. چاپ اول، ۱۴۰۱.

محقق داماد، سیدمصطفی، رضا پورمحمدی. مکاتب تفسیری در فقه امامیه. تهران: نشر سخن. چاپ اول، ۱۴۰۳.  
محقق داماد، سیدمصطفی، رضا پورمحمدی. تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه. چاپ اول، ۱۴۰۴.

محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. کفایة الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۱.  
مدرسی یزدی، عباس. نماذج الأصول فی شرح مقالات الأصول. قم: داوری. چاپ اول، ۱۳۸۳.  
مظفر، محمدرضا. اصول الفقه. قم: اسماعیلیان. چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

معرفت، محمدهادی. التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید. چاپ سوم، ۱۳۹۶.  
مغنیه، محمدجواد. فقه الامام الصادق (ع). قم: انصاریان. چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دهم، ۱۳۷۱.  
مکارم شیرازی، ناصر. انوار الأصول. به تقریر احمد قدسی. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (ع). چاپ اول، ۱۴۲۸ق.

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. القوانين المحكمة فی الأصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه. چاپ اول، ۱۴۳۰ق.

نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشیعة فی احکام الشریعة. قم: آل‌البتیة لإحیاء التراث. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.  
وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل. حاشیة مجمع الفائدة و البرهان. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی. چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

Aleinikoff, T. "Updating Statutory Interpretation." *Michigan Law Review* 87, no. 1 (October 1, 1988): 20–66.

DOI: 10.2307/1289276

Barak, Aharon. *Purposive Interpretation in Law*. Translated by Sari Bashi. Princeton: Princeton University Press, 2005. DOI: 10.1515/9781400841264

Barber, Charles Laurence. *Linguistic Change in Present-Day English*. University of Alabama Press, 1964.

Beccaria, Cesare marchese di. *An Essay on Crimes and Punishments: Translated from the Italian; with a Commentary, Attributed to M. de Voltaire, Translated from the French*. Bell & Murray, 1778.

Blackstone, William. *Commentaries on the Laws of England: In Four Books*. Printed at the Clarendon Press, 1770.

Bobbitt, Philip. *Constitutional Fate: Theory of the Constitution*. Oxford University Press, 1982.

Brest, Paul. "The Misconceived Quest for the Original Understanding." *Boston University Law Review* 60 (1980): 204.

Bulliet, Richard W. *The Case for Islamo-Christian Civilization*. Columbia University Press, 2006. DOI: 10.7312/bull13566

Cabot, Richard C. *The Meaning of Right and Wrong by Cabot, Richard C.* Macmillan, 1934.

Cooley, Thomas M. *A Treatise on the Constitutional Limitations Which Rest upon the Legislative Power of the States of the American Union*. 5th edition. Union, N.J.: The Lawbook Exchange, Ltd., 1998.

Cross, Frank B. *The Theory and Practice of Statutory Interpretation*. Stanford, Calif: Stanford Law Books, 2008. DOI: 10.11126/stanford/9780804759120.001.0001

Dickerson, Reed. "Statutes and Constitutions in an Age of Common Law." *48 University of Pittsburgh Law*

*Review* 773 (1987), January 1, 1987.

<https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/1535>.

Easterbrook, Frank. "The Role of Original Intent in Statutory Construction." *Harvard Journal of Law and Public Policy* 11 (January 1, 1988): 59.

Farnsworth, Ward. "Women Under Reconstruction: The Congressional Understanding." SSRN Scholarly Paper. Rochester, NY: Social Science Research Network, December 4, 2000. DOI: 10.2139/ssrn.252495

Fruchtman, Jack. *American Constitutional History: A Brief Introduction*. 1st edition. Chichester Malden, MA Oxford: Wiley-Blackwell, 2016. DOI: 10.1002/9781119141785

Fuller, Lon L. *American Legal Realism*. Lancaster Press, 1936.

Garner, Bryan A., Carlos Bea, Rebecca White Berch, Neil M. Gorsuch, Harris L. Hartz, Nathan L. Hecht, Brett M. Kavanaugh, et al. *Law of Judicial Precedent*. St. Paul, MN: Thomson West, 2016.

Gorsuch, Honorable Neil. "Of Lions and Bears, Judges and Legislators, and the Legacy of Justice Scalia." *Case Western Reserve Law Review* 66, no. 4 (January 1, 2016): 905.

Gorsuch, Neil. *A Republic, If You Can Keep It*. NO-VALUE edition. New York: Forum Books, 2019.

Greenberg, Mark. "Legal Interpretation." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta, Fall 2021. Metaphysics Research Lab, Stanford University, 2021. <https://plato.stanford.edu/archives/fall2021/entries/legal-interpretation/>.

Greenough, J. B., and George Lyman Kittredge. *Words and Their Ways in English Speech*, 1901.

Holmes, Oliver Wendell. "The Theory of Legal Interpretation." *Harvard Law Review* 12, no. 6 (January 25, 1899): 417. DOI: 10.2307/1321531

Jellum, Linda D. *Mastering Statutory Interpretation*. 58084th edition. Durham, N.C.: Carolina Academic Press, 2008.

Kammen, Michael, ed. *The Origins of the American Constitution: A Documentary History*. Reprint edition. New York, N.Y.: Penguin Books, 1986.

Luban, David. "What's Pragmatic about Legal Pragmatism?" In *What's Pragmatic about Legal Pragmatism?*, 275–303. Duke University Press, 2020. DOI: 10.1515/9780822382522-017

Lutz, Donald S. *The Origins of American Constitutionalism*. Baton Rouge, La u.a: LSU Press, 1988.

Manning, John. "Justice Scalia and the Idea of Judicial Restraint." *Michigan Law Review* 115, no. 6 (April 1,

2017): 747–82. DOI: 10.36644/mlr.115.6.justice

Manning, John, and Matthew Stephenson. *Legislation and Regulation, Cases and Materials*. 3rd edition. St. Paul, MN: Foundation Press, 2017.

Noonan, John T. *Narrowing the Nation's Power: The Supreme Court Sides with the States*. Univ of California Press, 2002. DOI: 10.1525/9780520928664

Posner, Richard. "Pragmatic Adjudication." *Cardozo Law Review* 18 (January 1, 1996): 1.

———. "The Rise and Fall of Judicial Self-Restraint." *California Law Review* 100 (January 1, 2012): 519.

———. "What Has Pragmatism to Offer Law?" *Southern California Law Review* 63 (January 1, 1990): 1653.

Posner, Richard A. *How Judges Think*. Reprint edition. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 2008.

———. *The Problems of Jurisprudence*. Harvard University Press, 1990.

Scalia, Antonin. *A Matter of Interpretation*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1997.

Scalia, Antonin, and Bryan A. Garner. *Reading Law: The Interpretation of Legal Texts*. 1st edition. St. Paul, MN: West, 2012.

Slocum, Brian G. *Ordinary Meaning: A Theory of the Most Fundamental Principle of Legal Interpretation*.

Chicago: The University of Chicago Press, 2015. DOI: 10.7208/chicago/9780226304991.001.0001

Thibaut, Anton Friedrich Justus. *An Introduction to the Study of Jurisprudence: Being a Translation of The*.

Translated by Nathaniel Lindley. Kessinger Publishing, LLC, 2008.

Tobia, Kevin P. "Testing Ordinary Meaning." *Harvard Law Review* 134 (2020): 726–806. DOI: 10.2139/ssrn.3266082.

Webster, Daniel. *The Works of Daniel Webster ...: Speeches in Congress*. C.C. Little and J. Brown, 1851.

Witherspoon, Joseph P. "Administrative Discretion to Determine Statutory Meaning: The High Road."

*Texas Law Review* 35 (1957 1956): 63.

### **Transliterated Bibliography**

Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm ibn Ḥusayn. *Kifāya al-Uṣūl*. Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth.

Chāp-i Awwal, 1989/1409.

‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Nihāya al-Wuṣūl ilā ‘Ilm al-Uṣūl*. Qum: Mū’assisa Imām Ṣādiq(AS).

Chāp-i Awwal, 2004/1425.

Āmulī, Ḥāshim. *al-Ma’ālim al-Māthūra*. Qum: s.n. 1993/1413.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *al-Farā'id al-Uṣūl*. Qum: Majm' al-Fikr al-Islāmī. Chāp-i Nuhum, 2007/1428.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Muṭār al-Anzār*. bi Taqrīr Abū al-Qāsim Kalāntarī, Qum: Majma' al-Fikr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 2005/1383.

Fāḍil Miqdād, Miqdād ibn 'Abd Allāh. *al-Tanqīḥ al-Rā'i li-Mukhtaṣar al-Sharā'i'*. Qum: Maktaba al-Mar' ashī al-Najafī. Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Fāzil Muwaḥidī Lankarānī, Muḥammad. *Madkhal al-Tafsīr*. Tehran: al-Maṭba'a al-Hydarī. 1976/1396.

Fāzil Muwaḥidī Lankarānī, Muḥammad. *Tafṣīl al-Sharī'a: al-Qaḍā' wa al-Shahādāt*. Qum: Markaz-i Fiqhī A'īmah Athār(AS), Chāp-i Awwal, 2006/1427.

Ḥā'irī Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn ibn 'Abd al-Raḥīm. *al-Fuṣūl al-Gharawīyah fi al-Uṣūl al-Fiqhiyah*. Qum: Dār Ihyā' al-'Ulūm al-Islāmiyya. Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Fawā'id al-Tūsiya*. Qum: Chāpkhānah-yi 'Ilmiyah. 1983/1403.

Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Fuṣūl al-Muhimma fi Uṣūl al-A'imma*. Qum: Mū'assisah-yi Ma'ārif Islāmī Imām Riḍā(AS). 1997/1418.

Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tafṣīl Wasā'il al-Shrī'a ilā Tahṣīl Masā'il al-Sharī'a*. Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Ihyā' al-Tūrāth. Chāp-i Sivum, 1989/1409.

Ḥusaynī Marāghī, 'Abd al-Fattāḥ ibn 'Alī. *al-Anāvin al-Fiqhiya*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Duwwum, 1996/1417.

Ḥusaynī 'Āmulī, Muḥammad Javād ibn Muḥammad. *Miftāḥ al-Karāmah fi Sharḥ Qawā'id al-'Allāma*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1989/1409.

Ibn Shahīd Thānī, Ḥasan ibn Zayn al-Dīn. *Ma'ālim al-Dīn wa Malādh al-Mujtahidīn*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Nuhum, s.d.

'Irāqī, Żiyā' al-Dīn. *Taqrīrāt al-Uṣūl*. Muqarr Mīrzā Ḥashim Āmulī, Tehran: Farahānī. Chāp-i Awwal, 1985/1405.

Istarābādī, Muḥammad Amīn ibn Muḥammad Sharīf. *al-Fawā'id al-Madaniya wa bi dhīluhu al-Shawahid al-Makiya*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 2005/1426.

Karbāsī, Muḥammad Ibrāhīm ibn Muḥammad Ḥasan. *Ashārāt al-Uṣūl*. s.l. s.n. Chāp-i Awwal, s.d.

Khū'i, Abū al-Qāsim. *al-Bayān fi Tafsīr al-Qurān*. Qum: Mū'assisa Ihyā' Āṣār al-Imām al-Khū'i. Chāp-i



Awwal, s.d.

- Khū'i, Abū al-Qāsim. *Mawsū'at al-Imām al-Khū'i*. Qum: Mū'assisa Ihyā' Āsār al-Imām al-Khū'i, 1997/1418.
- Khū'i, Abū al-Qāsim. *Miṣbāḥ al-Uṣūl*. Muqarr Muḥammad Surūr Wā'iz al-Ḥusayni Biḥsūdī, Qum: Mū'assisa Ihyā' Āsār al-Imām al-Khū'i. Chāp-i Awwal, 2001/1422.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Ādāb al-Ṣalāt*. Tehran: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Haftum, 1959/1378.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qum: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 1994/1373.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Tahdhib al-Uṣūl*. Taqrīr Ja'far Subḥānī. Tehran: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsār-i Imām Khumaynī, Chāp-i Awwal, 2002/1423.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Chāhārum, 1987/1407.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Ma'āṭ al-Uṣūl fi Sharḥ Akhbār Al al-Rasūl (pbuh)*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Duwwum, 1984/1404.
- Makārim Shirāzī, Naṣir. *Anwār al-Uṣūl*. Taqrīr Aḥmad Qudsī. Qum: Madrisah al-Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS). Chāp-i Awwal, 2007/1428.
- Makārim Shirāzī, Naṣir. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Dahum, 1992/1371.
- Ma'rifat, Muḥammad Hādī. *al-Tamhīd fi 'Ulūm al-Qurān*. Qum: Mū'assisah-yi Farhangī Intishārātī al-Tamhīd, Chāp-i Sivum, 2017/1396.
- Mīrzā-yi Qumī, Abū al-Qāsim ibn Muḥammad Ḥasan. *al-Qawānīn al-Muḥkama fi al-Uṣūl*. Qum: Ihyā' al-Kutub al-Islāmiyya. Chāp-i Awwal, 2009/1430.
- Mudarrisī Yazdī, 'Abbās. *Namādhij al-Uṣūl fi Sharḥ Maqālāt al-Uṣūl*. Qum: Dāvarī, Chāp-i Awwal, 1964/1383.
- Mughniyah, Muḥammad Javād. *Fiqh al-Imām al-Ṣādiq (AS)*. Qum: Anṣāriyān. Chāp-i Awwal, 2001/1421.
- Muḥaqqiq Sabziwārī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Mu'min. *Kifāyah al-Aḥkām*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1962/1381.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā, Sayyid Muṣṭafā Ḥusaynīnasab, Riḍā Pürmuḥammadi. *Uṣūl Fiqh Taḥlīlī: Tafsīr Fiqhī*. Qum: Büstān-i Kitāb. Chāp-i Awwal, 2023/1401.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā; Riḍā Pürmuḥammadi. *Makātīb Tafsīrī dar Fiqh Imāmiyah*. Tehran:

Nashr-i Sukhan. Châp-i Awwal, 2024/1403.

Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā; Riḍā Pürmuḥammadī. *Tafsīr Qānūn; Nazariyāt va Qawā'id Tafsīrī*. Pazhūhishgāh Quvih Qazā iyih. Châp-i Awwal, 2025/1404.

Muḥaqqiq Ḥillī. Ja'far ibn Ḥasan. *Ma'ārij al-Wuṣūl ilā 'Ilm al-Uṣūl*. Landan: Mū'assisa al-Imām 'Alī(AS). Châp-i Awwal, 2002/1423.

Muzaffar, Muḥammad Riḍā. *Uṣūl al-Fiḥ*. Qum: Ismā'iliyān. Châp-i Panjum, 1956/1375.

Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. *Mustanad al-Shi'a fi Ahkām al-Shari'a*. Qum: Āl al-Bayt li-Ihyā' al-Tūrāth. Châp-i Awwal, 1995/1415.

Pürmuḥammadī, Riḍā. "Āsībshināsi Pazhūhish-hā-yi Taṭbīqī dar Ḥuqūq", *Ḥuqūq Taṭbīqī*. Durih-yi 51, no. 2, autumn 2024/1403, 409-430.

Pürmuḥammadī, Riḍā. *Darāmadī bar Tafsīr Ḥuqūqī*. Qum: Pazhūhishgāh Ḥawzah va Dānishgāh. Châp-i Awwal, 2023/1402.

Pürmuḥammadī, Riḍā; Ḥusayn Simāyī Šarāf. "Dawābiṭ Istiṅād bi Tārīkh Taqnīnī dar Tafsīr Ḥuqūqī", *Muṭālī'āt Ḥuqūq 'Umūmī*. Durih-yi 53, no. 3, summer 2023/1402, 30-49.

Pürmuḥammadī, Riḍā; Ḥusayn Simāyī Šarāf. "Jāyghāh-i Tārīkh Taqnīnī dar Tafsīr Ḥuqūqī", *Majallih-yi Ḥuqūqī Dādgustarī*. Durih-yi 87, no. 123, autumn 2023/1402, 45-67.

Pürmuḥammadī, Riḍā; Raḥīm Nūbahār. "Istiṅād bi 'Umūmiyāt dar Ḥall-i Masā'il Nūpadīd; Muṭālī'ih-yi Taṭbīqī Fiḥ Imāmiyah va Ḥuqūq America", *Pazhūhish-hā-yi Taṭbīqī Ḥuqūq Islām va Gharb*. Durih-yi 9, no. 33, autumn 2023/1401, 65-94.

Šadr, Muḥammad Bāqir. *Buḥūth fi 'Ilm al-Uṣūl*. Muqarr Ḥasan 'Abd al-Sātir. Beirut: al-Dār al-Islāmiyah. Châp-i Awwal, 1996/1417.

Šadr, Muḥammad Bāqir. *Buḥūth fi 'Ilm al-Uṣūl*. Muqarr Sayyid Maḥmūd Ḥāshimī Šāhrūdī, Qum: Mū'assisa Dāyrah Ma'ārif al-Fiḥ al-Islāmī. Châp-i Sivum, 1996/1417.

Šadr, Muḥammad Bāqir. *Iqtisādanā*. Qum: Daftar-i Tablighāt-i Islāmī. 1996/1417.

Šadr, Sayyid Mūsā. *Uṣūl va Qawā'id Istiṅbāt A'immah az Qurān*. Qum: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm va Farhang-i Islāmī. Châp-i Awwal, 2023/1401.

Šāhib Jawāhir, Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fi Sharḥ Sharāy' al-Islām*. Beirut: Dār Ihyā' al-Tūrāth al-'Arabī. Châp-i Haftum, 1984/1404.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī al-‘Āmulī. *al-Qawā'id wa al-Fawā'id fī al-Fiqh wa al-Uṣūl wa al-'Arabīyya*. Qum: Kitāb-furūshī Mufid, s.d.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn ‘Alī. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i' al-Islām*. Qum: Mū'assisa al-Ma'ārif al-Islāmīyya. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn ‘Alī. *Tamhīd al-Qawā'id*. Qum: Būstān-i Kitāb. Chāp-i Awwal, 1995/1416.

Subḥānī, Ja‘far. *Uṣūl al-Fiqh al-Muqārin Fimā Lānaṣ fih*. Qum: Mū'assisah-yi Imām Ṣādiq(AS). 2005/1383.

Ṭabāṭabāyī Karbalāyī, ‘Alī ibn Muḥammad ‘Alī. *Riyāḍ al-Masā'il*. Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Ihyā' al-Tūrāth. Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Taqawī Ishtihārdī, Ḥusayn. *Tanqīḥ al-Uṣūl*. Tehran: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 1997/1418.

Waḥīd Bahbahānī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Akmal. *Hāshiyā Majma‘ al-Fā'ida wa al-Burhān*. Qum: Mū'assisa al-‘Allāmah al-Mujaddid al-Waḥīd al-Bahbahānī. Chāp-i Awwal, 1996/1417.

Zuḥaylī, Wahbah. *al-Tafsīr al-Wasīṭ*. Dimashq: Dār al-Fikr. 2001/1422.